

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱

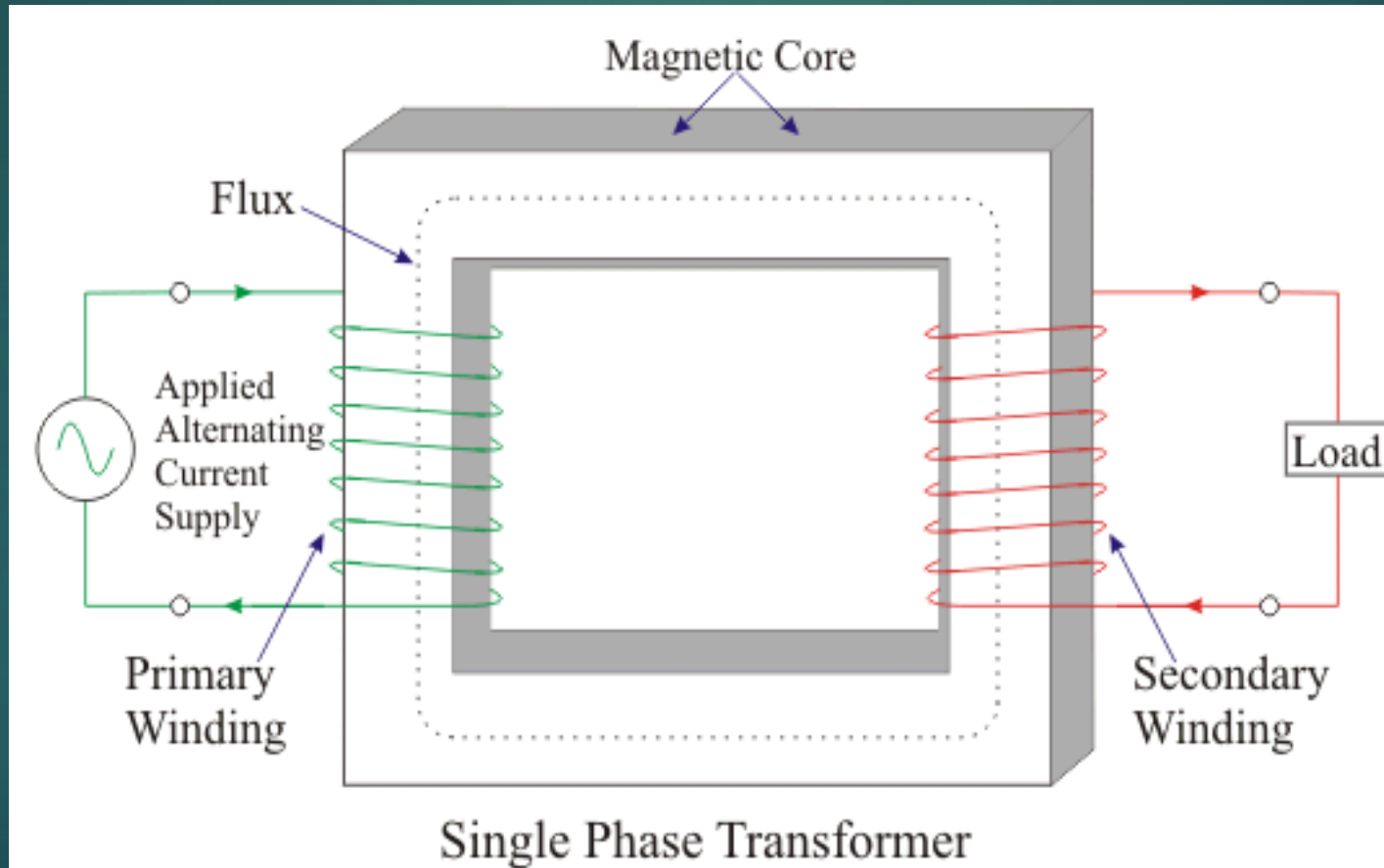
درس: ماشینهای الکتریکی فصل: ترانسفورماتورها قسمت اول

ارائه دهنده: علی بوبه رژ

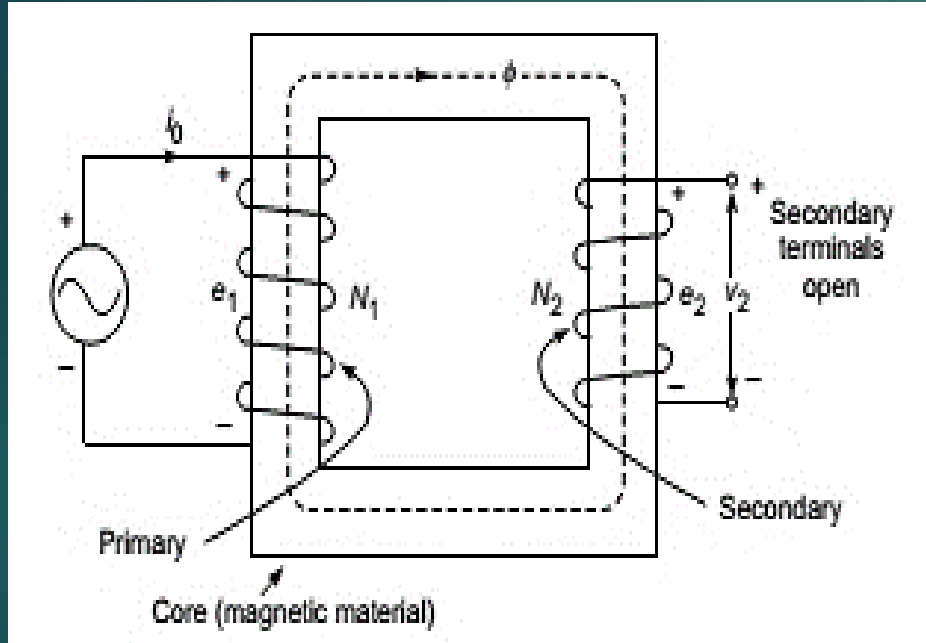
ALIBOOBEHREJ@GMAIL.COM

Aliboubehrezh.blogfa.com

ساختار یک ترانسفورماتور ساده

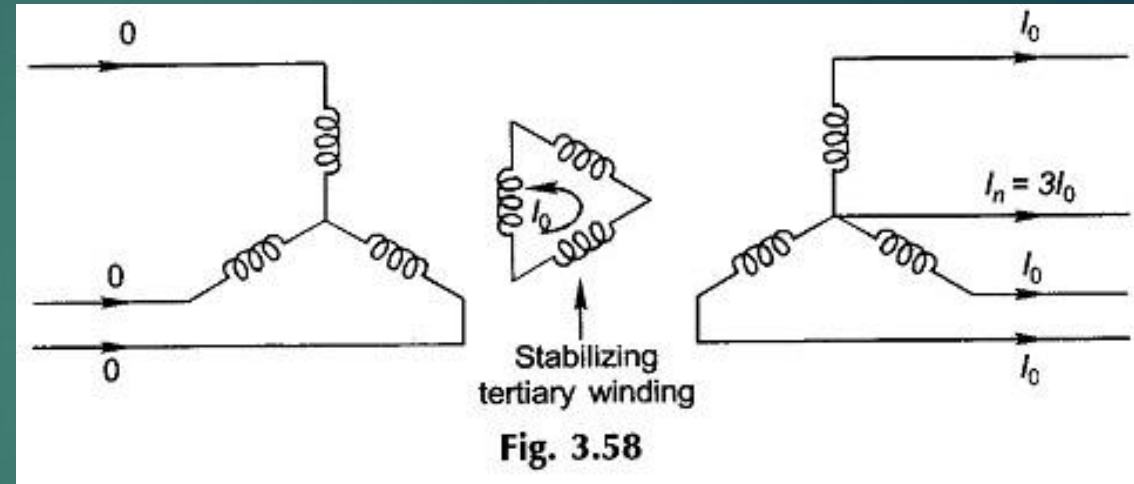
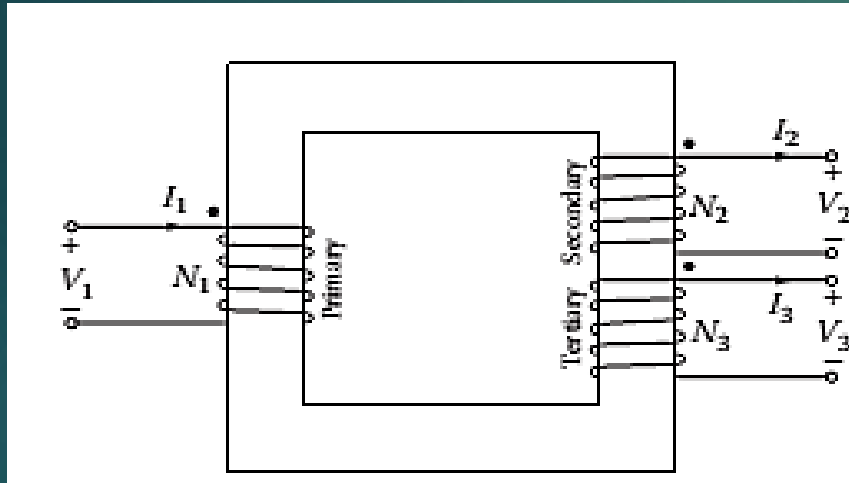


روابط اساسی ترانسفورماتور ایده آل



$$\frac{E_1}{E_2} = \frac{V_1}{V_2} = \frac{I_2}{I_1} = \frac{N_1}{N_2} = a$$

ترانسفورماتورهای سه سیم پیچه و کاربرد

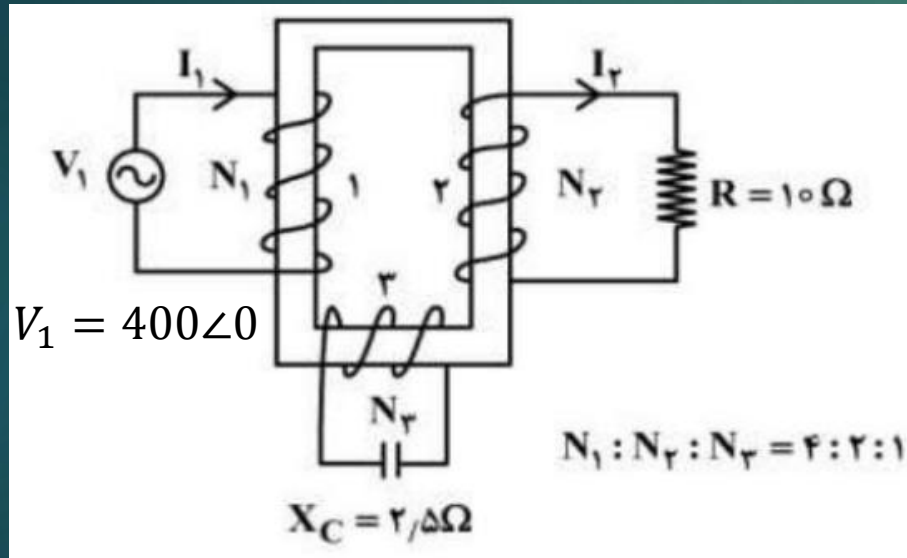


برای حل مسائل ترانسهای سه سیم پیچه سه راه وجود دارد:

- (۱) در مثالهایی که نسبت تبدیل داده نمی شود، از روش محاسبه توان ظاهری یا مختلط استفاده می گردد.
- (۲) در مثالهایی که نسبت تبدیل داده می شود از روش جمع آثار استفاده می شود.
- (۳) در مثالهای با چند ساق با توجه به عرض ساق و شار گذرنده از ساق مسئله را حل می نمایم.

مثال

جریان ورودی I1 بر حسب آمپر کدام است؟



$$\begin{cases} \frac{V_1}{V_2} = \frac{N_1}{N_2} \Rightarrow \frac{400}{V_2} = \frac{4}{2} \Rightarrow V_2 = 200v \\ \frac{V_1}{V_3} = \frac{N_1}{N_3} \Rightarrow \frac{400}{V_3} = \frac{4}{1} \Rightarrow V_3 = 100v \end{cases}$$

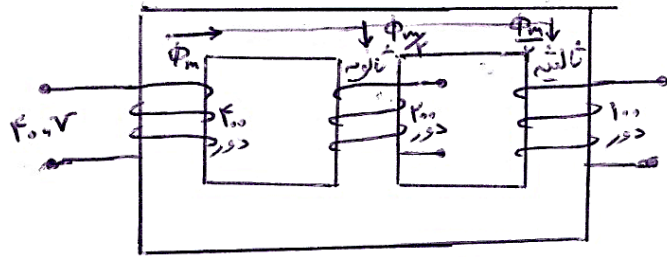
$$\begin{cases} I_2 = \frac{V_2}{R} = \frac{200}{10} = 20(A) \\ I_3 = \frac{V_3}{-jX_c} = \frac{100}{-j2.5} = j40(A) \end{cases}$$

$$\begin{cases} \frac{I_2}{I_1} = \frac{N_1}{N_2} \Rightarrow \frac{20}{I_1} = \frac{4}{2} \Rightarrow I_1 = 10(A) \\ \frac{I_3}{I_1} = \frac{N_1}{N_3} \Rightarrow \frac{j40}{I_1} = \frac{4}{1} \Rightarrow I_1 = j10(A) \end{cases} \Rightarrow I_{1total} = 10 + j10(A)$$

جمع آثار

ترانسفورماتورهای سه سیم پیچه و کاربرد

مثال: در ترانس اینده آل زیر ولتاژ خروجی در سیم پیچی های ۲ و ۳ چقدر است ؟

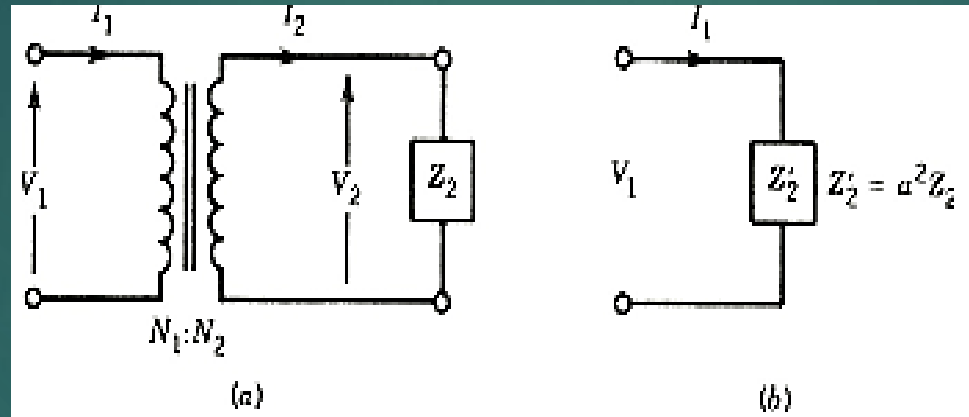


چون شار عبوری از ساق های ۲ و ۳ نصف شار عبوری از ساق اول است طبق رابطه $E = 4.44 N \Phi_m$ پس:

$$\frac{V_1}{V_2} = \frac{N_1}{\frac{1}{2}N_2} \Rightarrow \frac{400}{V_2} = \frac{400}{\frac{1}{2} \times 200} = \frac{400}{100} \Rightarrow V_2 = \frac{400}{4} = \boxed{100V}$$

$$\frac{V_1}{V_3} = \frac{N_1}{\frac{1}{2}N_3} \Rightarrow \frac{400}{V_3} = \frac{400}{\frac{1}{2} \times 100} = \frac{400}{50} \Rightarrow V_3 = \frac{400}{8} = \boxed{50V}$$

انتقال امپدانس

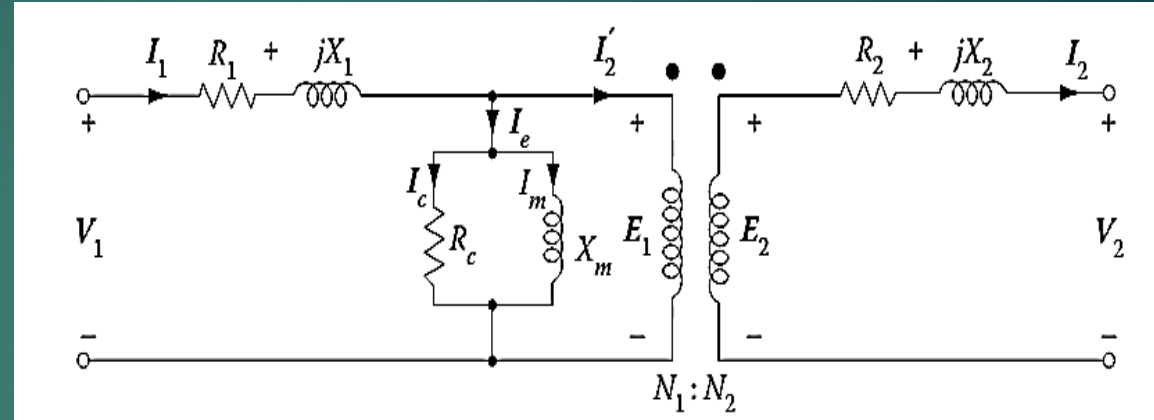
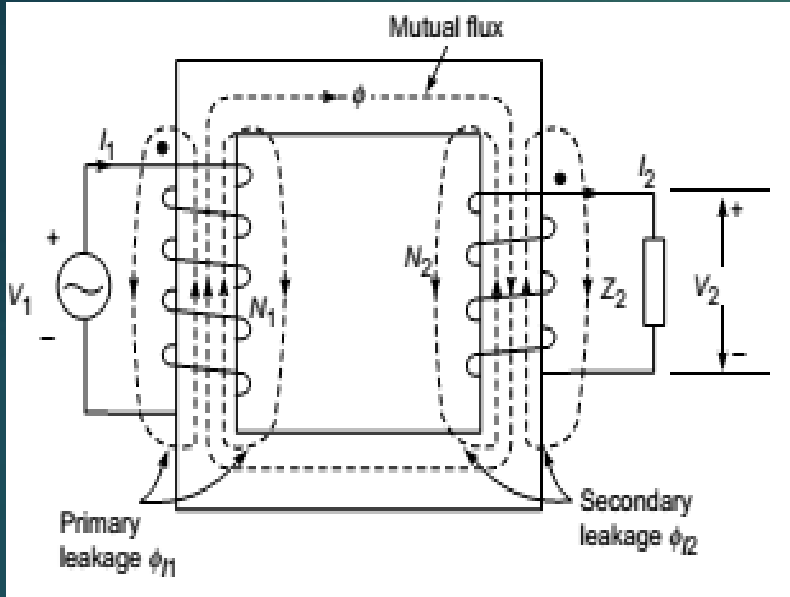


$$Z_1 = \frac{V_1}{I_1} = \frac{aV_2}{I_2/a} = a^2 \frac{V_2}{I_2} = a^2 Z_2 \Rightarrow \frac{Z_1}{Z_2} = a^2$$

}

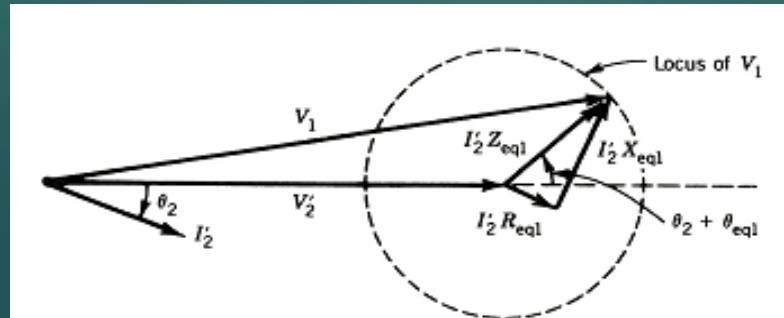
$$\left. \begin{aligned} \frac{R_1}{R_2} &= a^2 \\ \frac{L_1}{L_2} &= a^2 \\ \frac{C_2}{C_1} &= a^2 \end{aligned} \right\}$$

ترانسفورماتور واقعی

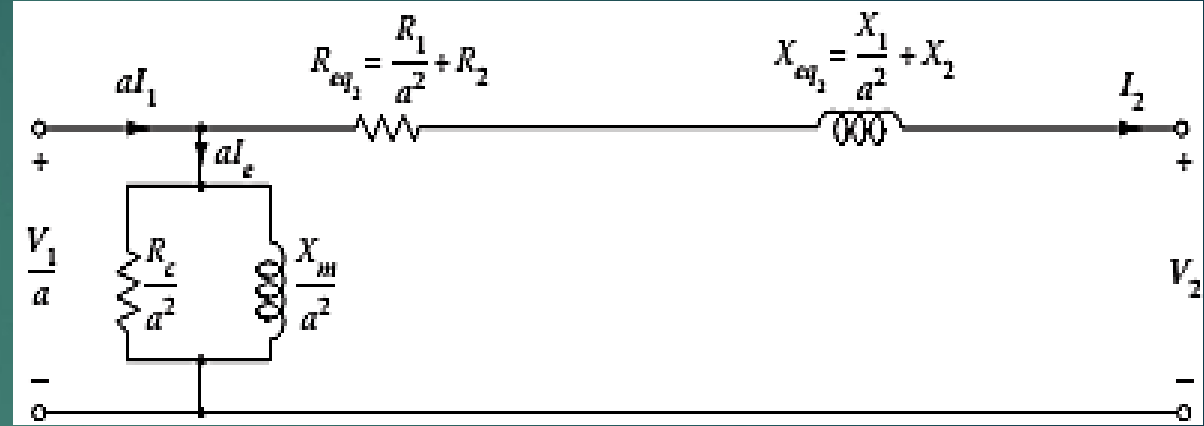
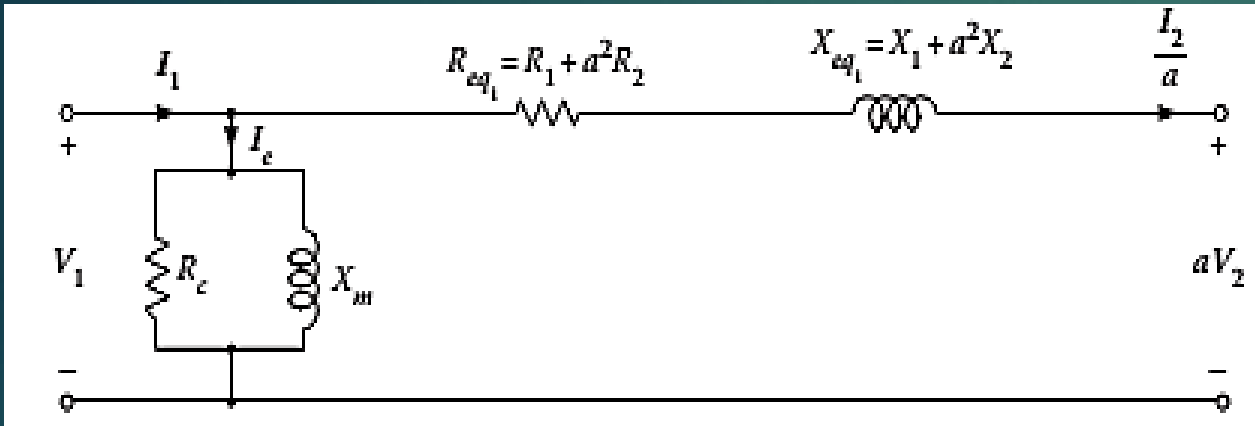


R_1 مقاومت اهمی سیم پیچ اولیه که تلفات مسی ایجاد می کند،
 X_1 راکتانس پراکندگی سیم پیچ اولیه،
 R_c مقاومت اهمی مدل کننده تلفات هسته (هیستریزیس و فوکو) ،
 X_m راکتانس مغناطیس کننده هسته،
 R_2 مقاومت اهمی سیم پیچ ثانویه
 X_2 و راکتانس پراکندگی سیم پیچ ثانویه است.

$$\begin{cases} \vec{V}_1 = R_1 \vec{I}_1 + jX_1 \vec{I}_1 + \vec{E}_1 \\ \vec{E}_2 = \vec{V}_2 + R_2 \vec{I}_2 + jX_2 \vec{I}_2 \end{cases}$$

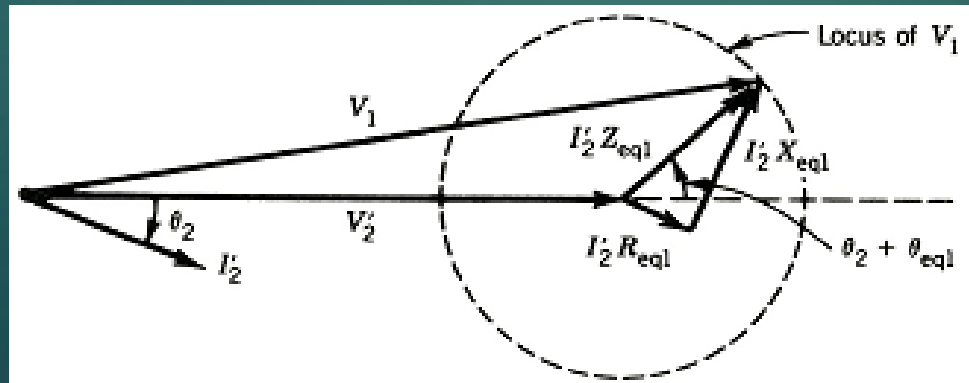


ترانسفورماتور واقعی (مدار معادل ۹۸٪)



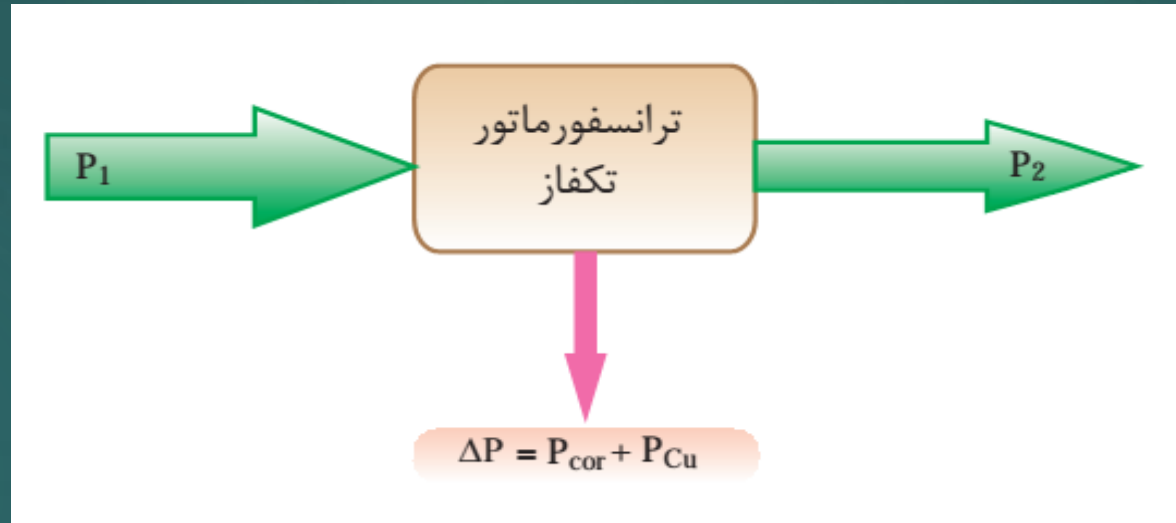
$$\begin{cases} \vec{V}_1 = R_{eq1}\vec{I}_1 + jX_{eq1}\vec{I}_1 + \vec{E}_1 \\ \vec{E}_2 = \frac{\vec{E}_1}{a} = \vec{V}_2 \end{cases}$$

$$\begin{cases} \vec{E}_2 = \vec{V}_2 + R_{eq2}\vec{I}_2 + jX_{eq2}\vec{I}_2 \\ \vec{E}_1 = a\vec{E}_2 = \vec{V}_1 \end{cases}$$



محاسبه راندمان

نسبت توان خروجی به توان ورودی را بازده یا راندمان می گویند.



$$\eta = \frac{P_2}{P_1} = \frac{P_2}{P_2 + \Delta P} = \frac{P_2}{P_2 + P_{Fe} + P_{cu}}$$

ضریب بار

نسبت توان ظاهری مصرف کننده به توان ظاهری نامی در ولتاژ ثابت را ضریب بار (k) می گویند.

$$k = \frac{S}{S_n} = \frac{I}{I_n}$$

$$P_2 = V_2 I_2 \cos \phi = V_2 k I_{2n} \cos \phi = k S_n \cos \phi$$

$$P_{cu} = R_{eq2} I_2^2 = R_{eq2} (k I_{2n})^2 = k^2 R_{eq2} I_{2n}^2 = k^2 P_{cun}$$

در نتیجه می توان فرمول محاسبه راندمان را به صورت زیر باز نویسی نمود:

$$\eta = \frac{P_2}{P_1} = \frac{k S_n \cos \phi}{k S_n \cos \phi + k^2 P_{cun} + P_{Fe}}$$

راندمان ماکزیمم

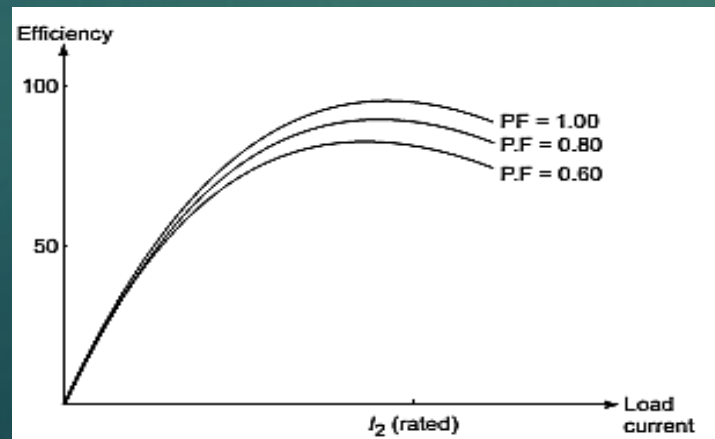
اگر بار متصل به یک ترانس را زیاد کنیم راندمان ابتدا به سرعت زیاد و سپس به آرامی کم می شود. همچنین اگر ضریب توان بار افزایش یابد، راندمان قطعا زیاد می شود چون جریان عبوری کم شده و تلفات کاهش می یابد.

$$\frac{d\eta}{dI_2} = 0 \Rightarrow P_{cu} = P_{Fe} \Rightarrow k^2 P_{cun} = P_{Fe} \Rightarrow k_m = \sqrt{\frac{P_{Fe}}{P_{cun}}}$$

$$\frac{d\eta}{d\phi} = 0 \Rightarrow \cos \phi = 1$$

پس دو شرط راندمان ماکزیمم به صورت زیر می باشد:

$$\begin{cases} k_m = \sqrt{\frac{P_{Fe}}{P_{cun}}} \\ \cos \phi = 1 \end{cases}$$



$$\eta_{\max} = \frac{k_m S_n}{k_m S_n + k_m^2 P_{cun} + P_{Fe}} = \frac{k_m S_n}{k_m S_n + 2P_{Fe}}$$

پریونیت

با توجه به اینکه در شبکه قدرت، عددها بر حسب kv یا MW می باشد و با جابجایی از طرف اولیه به ثانویه ترانسفورماتورها یا بالعکس مقادیر پارامترهای مدار معادل به دلیل نسبت تبدیل ترانسها و اصل انتقال امپدانس تغییر می نماید، لذا سیستمی به نام پریونیت(در-واحد) پیشنهاد شده است که باعث سادگی محاسبات در سیستمهای قدرت می گردد. در این سیستم مقادیر در حد عددی کوچک(معمولا بین صفر و یک) تغییر می نمایند.

فرمول اساسی در محاسبات پریونیت برای هر پارامتری (توان، ولتاژ، جریان و امپدانس) به صورت زیر است:

$$\alpha_{P.U} = \frac{\alpha_{real}}{\alpha_{BASE}}$$

پریونیت

$$V_{P.U} = \frac{V}{V_{BASE}}; I_{P.U} = \frac{I}{I_{BASE}}$$

$$Z_{P.U} = \frac{Z}{Z_{BASE}} = \frac{V_{P.U}}{I_{P.U}}$$

$$S_{P.U} = \frac{S}{S_{BASE}} = V_{P.U} I_{P.U}^* = P_{P.U} + jQ_{P.U}$$

برای پریونیت کردن روابط ماشینهای الکتریکی، باید S_n, V_n, I_n (توان ظاهری نامی، ولتاژ نامی و جریان نامی) را به عدد "یک" تبدیل نمود.

و بقیه پارامترهای دارای واحد، نیز پریونیت می شوند. و اندیس های طرف اولیه یا ثانویه از بین می روند چون در هر دو طرف مقادیر پریونیت برابر هستند.

$$P_{cu_n} = R_{eq} I_n^2 \Rightarrow P_{cu_{nP.U}} = R_{eq_{P.U}}$$

$$\eta = \frac{kS_n \cos \phi}{kS_n \cos \phi + P_{Fe} + k^2 P_{cu_n}} \Rightarrow \eta = \frac{k \cos \phi}{k \cos \phi + P_{Fe_{P.U}} + k^2 P_{cu_{nP.U}}} = \frac{k \cos \phi}{k \cos \phi + P_{Fe_{P.U}} + k^2 R_{eq_{P.U}}}$$